

بازشناسی مفهوم هویت کالبدی و تعامل معماری کهنه و نو در سامان‌دهی محله تاریخی جلفا اصفهان

حسن اصانلو*

عضو هیات علمی دوره دکتری در دپارتمان معماری طراحی و تئوری دانشکده معماری دانشگاه ساینز ارم

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۸/۲

چکیده

سیمای ظاهری محله جلفا اصفهان مانند سایر محله‌های تاریخی، با گذر زمان دچار برخی تغییر و دگرگونی‌ها در بافت خود شده که با وجود جذابیت‌ها و قابلیت‌های فراوان، نیازمند امکانات و تمهیدات مختلفی است و نبودن آن‌ها از مشکل‌ها و تهدیدهای این بافت و هویت کالبدی آن به شمار می‌روند. در این نوشتار، ابتدا با معرفی انگاره‌های «هویت» و «هویت کالبدی»، به عنوان مؤلفه‌های مؤثر در میزان ارزش‌مندی مداخله در بافت‌های تاریخی به هریک از آن‌ها پرداخته می‌شود. در ادامه، ضمن انجام مطالعات دقیق دیداری - کالبدی در این بافت‌ها، به معرفی و تحلیل نظریه‌های اندیشمندان امور شهری و انگاره‌های آن‌ها (به عنوان جنبه کالبدی - دیداری منظر شهری) پرداخته می‌شود. از این رو هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل تاثیرگذار بر نظام دیداری و هویت کالبدی محله تاریخی جلفای اصفهان است، تا بتوان با شناخت نقطه‌های ضعف و قوت این بافت تاریخی، زمینه طراحی هدف‌مند و هویت بخش را در این عرصه‌ها فراهم کرد.

واژگان کلیدی: سیمای ظاهری، هویت کالبدی، سامان‌دهی بافت، محله جلفا.

مردم، امکان حفظ و احیای این محله‌ها و بناهای ارزشمند درون آن وجود ندارد.

۱. پیشینه تحقیق

در ایران تجربه‌های مدیریت شهری و برنامه‌ریزی احیای ناحیه تاریخی شهرها به فاصله زمانی سال‌های ۱۲۹۹ تاکنون بر می‌گردد که طی این سال‌ها دارای فراز و نشیب‌هایی است. در دهه ۱۳۵۰ با برگزاری سمینارها و ارائه کتاب‌ها و مقاله‌های علمی نقش و اهمیت ناحیه تاریخی شهرها بیشتر شد. با پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تلاش علمی در این زمینه سست گردید؛ تا این که از سال ۱۳۶۴ به بعد با اجرای طرح‌های تحقیقاتی، چاپ کتاب‌ها و مقاله‌های علمی، برگزاری سمینارها و مانند آن‌ها، فعالیت‌ها در این زمینه سرعت گرفت. (حائری، ۱۳۶۸) در ادامه به تحلیل پیشینه تجربه‌های معاصر می‌پردازیم تا سهم حفاظت و توسعه در اقدامات صورت گرفته مشخص شود. برای دستیابی به این روش تحلیلی، مهم‌ترین اتفاقات تاریخی در موضوع تعامل و تقابل حفاظت و توسعه، به ترتیب در کنار یکدیگر قرار گرفته، نقطه‌های مهم به عنوان شاخص آغاز دوران جدید انتخاب شده‌اند. با مروری بر تجربه‌های گذشته در ایران می‌توان دریافت که هفت دوره مشخص در تعامل و تقابل رویکردهای مبتنی بر توسعه، در حوزه مرمت و مرمت شهری معاصر ایران قابل معرفی هستند این دوره‌ها در جدول زیر مشخص شده‌اند.

۲. روش تحقیق

چارچوب این تحقیق بر اساس روش توصیفی - تحلیلی، تاریخی است. در ابتدا با توجه نظریه‌های اندیشمندان بزرگ شهری به ارائه الگویی صحیح در زمینه بهسازی و بازسازی بافت‌های

یکی از مباحث اصلی و گاه جنجال برانگیز در فضای معماری و شهرسازی کشورمان، موضوع حفظ فضاهای شهری و معماری تاریخی و دیدگاه‌های متفاوت درباره چگونگی حفظ این فضاها و ساختمان‌های ارزشمند تاریخی است، که گاهی اختلاف نظرها و دیدگاه‌های متفاوت در مورد نگرش به این مقوله در برخی از موارد از دایره بحث‌های معماری و شهرسازی فراتر رفته و در دایره مسائل اجتماعی سیاسی داخل می‌شود. از سال ۱۲۹۹ شمسی بر اثر تغییرات زیر بنایی در ساختار اجتماعی و اقتصادی و پیدایش نیازهای جدید در اثر حرکت جامعه به سمت صنعتی شدن، کالبد جامعه سنتی دچار مشکلات بسیاری گردید که در اثر این تغییرات، این کالبد کارایی گذشته خود را از دست داد و با توجه به رشد شتابان ورود تولیدهای صنعتی و روند صنعتی شدن و نداشتن آمادگی علمی و اجتماعی و فرهنگی از سوی دست اندرکاران برای مقابله با این تغییرات سریع، تغییرات و ناهنجاری‌های جبران ناپذیری در کالبد محله‌های سنتی به وجود آمد، تا جایی که به علت نبودن زیرساخت‌ها و نداشتن تناسب فضاهای موجود با نیازهای کنونی ساکنان و نیز ناتوانی دستگاه‌های مسئول در سامان‌دهی این محله‌ها، مردم مجبور به تخریب و تغییر فضاها برای هماهنگ ساختن آن‌ها با نیازهایشان شدند، و در بسیاری از مواقع، با ترک این محله‌ها و رها نمودن آن‌ها در عمل، این فضاها به ویرانه‌های نا امنی تبدیل گردیده‌اند. تجربه کشورهای اروپایی در این مورد، تأیید کننده این نکته است که برای حفظ این بافت‌ها و بناها، سامان‌دهی و احیای آن‌ها از راه جاری ساختن جریان زندگی روزمره با توجه به نیازهای امروز شهرنشینی، امکان پذیر است و تنها در این صورت، امکان مشارکت مردم و ساکنان برای بازسازی محله‌هایشان فراهم می‌گردد و بی‌تردید بدون مشارکت و خواست

جدول شماره ۱: دوره‌های مختلف مرمت و مرمت شهری در ایران

دوره	بازه زمانی	اتفاقات شاخص	مفهوم حفاظت	مفهوم توسعه
دوره اول	۱۱۶۴ تا ۱۲۸۵	از آغاز تحولات جدید شهری تا انقلاب مشروطه	حفاظت محدود از عتیقیات تخریب و نوسازی بناهای شاخص	تخریب تک‌بناهای شاخص و توسعه آرام گستره فیزیکی شهرها
دوره دوم	۱۲۸۵ تا ۱۳۰۱	از انقلاب مشروطه تا تاسیس انجمن آثار ملی	گسترش حفاظت محدود از عتیقیات و ادامه تخریب و نوسازی بناهای شاخص	ادامه روند تخریب و نوسازی و توسعه گستره فیزیکی شهرها
دوره سوم	۱۳۰۱ تا ۱۳۲۳	از تاسیس انجمن آثار ملی تا اصلاحیه قانون حفظ آثار ملی	حفاظت بسیار محدود از شماری از تک‌بناها و تخریب سایر بناها	تخریب گسترده بناها و بافت‌های باارزش و احداث خیابان‌های وسیع در بافت‌ها
دوره چهارم	۱۳۲۳ تا ۱۳۴۴	از اصلاحیه قانون حفظ آثار ملی تا تشکیل سازمان ملی حفاظت	حفاظت محدود از تک‌بناها و بی‌توجهی به بافت‌های تاریخی	کاهش رشد تخریب بناها و افزایش رشد تخریب بافت‌ها و ادامه توسعه شتابزده شهرها
دوره پنجم	۱۳۴۴ تا ۱۳۵۷	از تشکیل سازمان ملی حفاظت آثار باستانی تا پیروزی انقلاب اسلامی	افزایش دامنه حفاظت از بناهای تاریخی و آغاز توجه به بافت‌های شهری	ادامه تخریب بافت‌ها، ساخت بناهای شاخص و توسعه شتابان گستره فیزیکی شهرها
دوره ششم	۱۳۵۷ تا ۱۳۶۴	از پیروزی انقلاب اسلامی تا تشکیل سازمان میراث فرهنگی	وقفه در حفاظت از آثار، بناها و بافت‌های باارزش شهری	توسعه شتابزده، گسترش شهرک‌سازی و واگذاری زمین با هدف خانه‌دار شدن مردم
دوره هفتم	۱۳۶۴ تا ۱۳۸۶	از تشکیل سازمان میراث فرهنگی تاکنون	برنامه‌های متنوع برای حفاظت و بهره‌برداری از بافت‌های باارزش شهری	گسترش مجموعه‌های شهری، مطرح شدن سند توانمندسازی و موضوع توسعه پایدار

اصطلاح‌های «شخصیت»^۲ و «حس مکان»^۳ نیز مترادف است (میر مقتدایی، ۱۳۸۳).

۳-۳. **نظریه «کلیت رشد یابنده» - «کریستوفر الکساندر»**
این نظریه بر پایه مفهوم استخوان بندی شهر و ساختارگرایی در طراحی بنا شده و احساس زندگی و زنده بودن در شهرها را مطرح می‌کند، امری که ناشی از کیفیت ساختاری خاصی است که در شهرهای قدیمی یافت می‌شود. بر این مبنا، شهر کلی واحد است که زیر شرایط کلیت خود رشد می‌کند و این ویژگی نه تنها در بزرگ‌ترین مقیاس، بلکه در هریک از جزئیات آن‌ها نیز احساس می‌شود. و به این ترتیب کلیت رشد یابنده دارای کنترلی از درون می‌شود (حیبی، ۱۳۸۷).

ساختار «کلیت رشد یابنده» را می‌توان به کمک برخی فرضیه‌ها به این ترتیب بیان کرد:

۱. هر دوساخت جزء و کل، به تدریج رشد می‌کنند و گسترش می‌یابند؛
۲. سیر تحول کل، قابل پیش بینی نیست؛
۳. کل، دارای ساختاری منسجم است و هر یک از اجزا نیز در محدوده خود یک کل است؛
۴. کل در محدوده خود و به هنگام تماس با انسان، عمیق‌ترین احساسات را در او بر می‌انگیزند.

۳-۴. **«نظریه سامان‌دهی استخوان بندی اصلی شهر» - «ادموند بیکن»**

در این نظریه، تاثیر رشد شهر بر شهر، با برخورداری از انگاره‌های روشن از استخوان بندی شهر، شرح داده می‌شود. و به این ترتیب هر بخش از شهر قادر خواهد بود که در پیوند با استخوان بندی اصلی، در سطح وسیعی گسترش و تداوم یابد و قابلیت تغییر و اصلاح داشته باشد (بیکن، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

بیکن در این نظریه، انطباق و هماهنگی نظام حرکت و تحول شهر را با مختصات جغرافیایی و طبیعی آن ضروری دانسته و این اقدام را ابزاری مناسب برای تاکید و افزایش جلوه دیداری و بخشیدن مفهومی جدید به ساختمان‌های عمومی و یادمان‌های تاریخی شهر می‌داند. نظریه طراحی و استخوان بندی اصلی شهر را می‌توان به کمک برخی فرضیه‌ها چنین بیان کرد:

۱. برای تاثیر رشد شهر بر شهر، لازم است در ابتدا تعریفی روشن از استخوان بندی شهر به دست داد.
۲. در طرح استخوان بندی مرکز شهر، عناصر شهری در یک نظام سه بعدی جامع از سازمان دهی فضایی، در هم بافته شده و تمرکزی شدید از فعالیت نظام‌مند حرکتی در سطح‌های مختلف اعم از سواره و پیاده، اتفاق می‌افتد؛
۳. طراحی استخوان بندی اصلی شهر می‌تواند به کمک طراحی نظام حرکت، میسر شود؛
۴. طراحی استخوان بندی اصلی شهر از طریق یک نظام حرکتی جهت دار از قدرتی برخوردار می‌شود که نه تنها در احیای استخوان بندی، بلکه در تاثیر بر ذهن‌ها و حس‌های استفاده کنندگان و عابران نیز مؤثر می‌افتد.

فرسوده پرداخته شده است، سپس روند شکل‌گیری محله تاریخی جلفای اصفهان در گذر زمان مورد بررسی قرار گرفته و آن‌گاه، ویژگی‌های این بافت تاریخی از نظر خواهد گذشت. سپس با توجه به مبانی نظری تحقیق به ارائه الگویی در خور، برای بازسازی و بهسازی این بافت تاریخی پرداخته خواهد شد. در این تحقیق اطلاعات و داده‌های مورد نیاز به روش میدانی گردآوری شده‌اند. به این ترتیب که با مراجعه به محله جلفای اصفهان و تهیه نقشه و عکس از بناهای باقی مانده به تحلیل هر بنا، شناخت تاریخچه و روند تغییرات صورت گرفته در آن پرداخته شده و سپس با تحلیل اطلاعات به دست آمده و با توجه به عوامل موجود در محله نقاط قوت و ضعف هر بنا شناسایی شد. در پایان نیز براساس نکات حاصل از این تحلیل به مقایسه بناهای تاریخی و معاصر و بررسی نقاط ضعف و قوت هر بنا پرداخته شد تا بدین وسیله دانش لازم در ارائه راهکار و نحوه مداخله به دست آید.

۳. مبانی نظری تحقیق

مبانی نظری تحقیق حاضر بر پایه سه نظریه معروف از سه اندیشمند امور شهری از جمله: «کریستوفر الکساندر»، «ادموند بیکن» و «کوبین لینچ» ارائه گردیده است، اما در ابتدا لازم است که در مورد مفهوم «هویت» و هویت کالبدی توضیحاتی به اختصار ارائه گردد. در ادامه به بررسی این نظریه‌ها به صورت اجمالی خواهیم پرداخت.

۳-۱. تعریف هویت

فرهنگ فارسی معین در تعریف هویت، آن را ذات باری تعالی، هستی و وجود، و آن چه موجب شناسایی شخص باشد معرفی کرده است (معین، ۱۳۷۱: ۵۲۲۸). هویت، بخشی از شخصیت وجودی هر انسان است، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد. در واقع میان فرد و مکان رابطه‌ای عمیق تر از صرف بودن یا تجربه کردن آن مکان برقرار است (رضا زاده، ۱۳۸۰: ۶). اما مقصود از هویت در این‌جا، تعریفی است که زیر کلمه "identity" در فرهنگ واژگان آکسفورد آمده است و به معنی آنچه که کسی یا چیزی هست، همان بودن، و مبحثی در مورد چیستی پدیده است (Oxford, 2007: 770).

۳-۲. هویت کالبدی

هویت کالبدی^۱ را می‌توان به صورت زیر تعریف نمود: هویت کالبدی به معنای صفت‌ها و ویژگی‌هایی است که جسم شهر را از غیر آن، متمایز کرده و شباهتش را با خودی آشکار می‌کند. این صفت‌ها باید به گونه‌ای باشد که جسم شهر، در این تداوم زمانی، در حال تحول و تکامل نیز باشد و در نهایت به پیدایش یک کل منجر شود. در تعریف بالا معیارهای ارزیابی هویت کالبدی نیز گنجانده شده است. بنابراین در پاسخ به این سوال که «کدامین صفت‌ها، کالبد شهر را دارای هویت مطلوب می‌کنند؟» سه شرط زیر تعیین می‌شود: اول: تمایز آن از غیر و تشابه آن با خودی، دوم: حفظ تداوم در عین تحول، و سوم: حفظ وحدت در عین کثرت. از میان سه معیار بالا، تمایز از غیر و تشابه با خودی از همه مهم‌تر بوده و اصل زیر بنایی محسوب می‌شود. دو معیار بعدی اجزا و زیر مجموعه آن محسوب شده و تابع هستند. هویت کالبدی از نظر مفهومی با

۵. شکل شهر از طرح استخوان بندی اصلی شهر سرچشمه می‌گیرد و خود را بر آن تحمیل نمی‌کند؛

۶. پیچیدگی ترکیب عناصر کالبدی - فضایی در یک منطقه شهری، می‌تواند کلیت واحدی را بیان دارد.

۷. طراحی استخوان بندی اصلی شهر شامل دو عنصر اساسی است: مسیرهای حرکت و توده‌های ساختمانی.

۳-۵- نظریه ادراک دیداری و سیمای شهری - «کوبین لینچ»

«لینچ»، کلید ادراک شهر را خوانایی آن و برقراری رابطه منطقی و اصولی بین شهر و شهروند می‌داند. خوانایی شهر تنها بر عناصر یا عملکردها تکیه ندارد، بلکه شکل و محتوا را نیز شامل می‌شود. در این نظریه، تشریح فضایی - کالبدی محیط شهری متکی به الگوی ساختاری آن بوده و شکل هر زیست‌گاهی بستگی به چگونگی تنظیم میان دو پاره تشکیل دهنده آن، یعنی مردم در حال تسهیل‌ها و تجهیزهای و تجهیزات کالبدی دارد. پیوستگی و یکپارچگی هر قسمت با قسمت دیگر، احساس پیوستگی اجزا از هر جهت و در هر سطح و وجود سلسله مراتب دیداری از دیگر جنبه‌های مهم این نظریه است (لینچ، ۱۳۷۸: ۴۵).

نظریه قوانین ادراک دیداری را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. ایجاد خوانایی، تصویری ذهنی از شهر که در ذهن فرد، اعم از پیاده و یا سواره نقش می‌بندد؛
۲. ساختار و هویت که الگویی قابل تشخیص و پیوسته از فضاها و ساختمان‌ها و بلوک‌های شهری به شمار می‌آید.
۳. قابلیت تصور یا تجسم به واسطه ادراک فضاهای شهری و تجزیه آن، صورت می‌گیرد.

۴. بررسی سیر دگرگونی‌های کالبدی- تاریخی محله جلفای اصفهان در گذر زمان

جلفای اصفهان در طول تاریخ، خود بارها گسترش یافته، بویژه در عصر صفوی و در سال‌های ۱۶۱۸، ۱۶۳۰ و ۱۶۵۵ میلادی (کازرونی، ۱۳۶۹: ۲۵). معماری جالب جلفا تلفیقی بود منطقی از ویژگی‌های معماری ارمنستان با اوضاع اقلیمی و مصالح ساختمانی محلی و موازین و شرایط فرهنگی معماری عصر صفوی. به عبارت دیگر معماری ارمنستان، که بدون شک تحت تأثیر شرایط محلی و در مقاطعی نیز زیر تأثیر امپراتوری بیزانس و روسیه بوده، در اوج نبوغ معماری ایرانیان؛ یعنی در مکتب صفوی در جلفا جلوه گر شد و در شهرسازی، بناهای مسکونی، بازارها، کارگاه‌ها و بویژه، کلیساهای زیبای جلفا خود را نمایان ساخت و سپس، در قالب مکتب معماری جدیدی حتی به سرزمین مادری ارمنیان - ارمنستان - انتقال یافت (Gharibian, 2009).

ارمنیان ابتدا در مرحله شیخ یوسف اصفهان (در نزدیکی تراوسکان) سکنا گزیدند و پس از چندی به منطقه مصفا و حاصلخیز در جنوب غربی زاینده رود منتقل شدند. منطقه‌ای که شاید به یاد زادگاه مهاجران، «جلفا» نامیده شد. تاریخ کالبدی جلفا را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: جلفای قدیم یا کهنه: جلفای قدیم (که در هنگام بنا شدنش «جلفای نو» خوانده

می‌شد) در میان باغ‌ها و زمین‌های حاصلخیز کرانه جنوبی زاینده رود، و در جنوب غربی اصفهان شکل گرفت. خیابان شرقی - غربی نظر که محوری پهن بود با دو ردیف چنار بلند در دو طرف آن و نهتری که درخت‌ها را آبیاری می‌کرد، ستون فقرات جلفای قدیم محسوب می‌گردید. «درب شهریمانیان»، دروازه شرقی و «درب سرفرازیان»، دروازه غربی جلفا بوده است که به مثابه دو نقطه، محور ناظر را تعریف می‌کند. محور شمالی - جنوبی (کوچه باغ) که هر کوچه یک «دهه» نامیده می‌شد، جلفا را به ده قسمت تقسیم و ارتباط خیابان نظر را با رودخانه و قسمت‌های جنوبی برقرار می‌کرد (دروهانیان، ۸۳، ۱۳۷۹). بیش از ۶۰ سال پس از تاسیس جلفای قدیم، شهر جلفا به دلیل‌های گوناگون، به سوی جنوب منتقل شد. این جابجایی به‌گونه‌ای بود که خیابان نظر، که پیش از این از میانه جلفای قدیم می‌گذشت، به محوری تبدیل شد که مرز شمالی جلفا را تعیین می‌کرد. به این ترتیب جلفای نو شکل گرفت. به طور کلی جلفای اصفهان در پنج مرحله اصلی بر اثر مهاجرت و جابجایی آرامنه در دوران صفویه گسترش یافت:

۱. بین سال‌های ۱۶۰۳ تا ۱۶۰۵ میلادی - اوایل قرن یازدهم هجری - با مهاجرت اهالی جلفای ارس به دستور شاه عباس اول، هسته نخستین شهرک جلفا در حومه جنوبی زاینده رود پایه ریزی شد.
۲. بین سال‌های ۱۶۲۰ تا ۱۶۵۵ میلادی بر اثر افزایش جمعیت، محدوده جلفا به صورت تدریجی گسترش یافت.
۳. در سال‌های ۱۶۳۰ تا ۱۶۴۰ در پی مهاجرت ۲۰۰ خانوار سنگتراش به این منطقه، محدوده این شهرک در حوزه غربی توسعه یافت.
۴. بین سال‌های ۱۶۵۵ تا ۱۶۵۶، در پی رانده شدن ۱۲ هزار ارمنی ساکن در بخش شمالی زاینده رود به جلفا در زمان شاه عباس صفوی، این شهرک بالاترین اندازه گسترش خود را تجربه کرد.
۵. در سال ۱۶۷۰ میلادی، به دنبال مهاجرت گروهی از ارمنی‌های ارمنستان به جلفا و اسکان آن‌ها در محله ایروانی‌ها، دوباره محدوده این شهرک در حوزه غربی توسعه یافت (اصانلو، ۱۳۹۰).

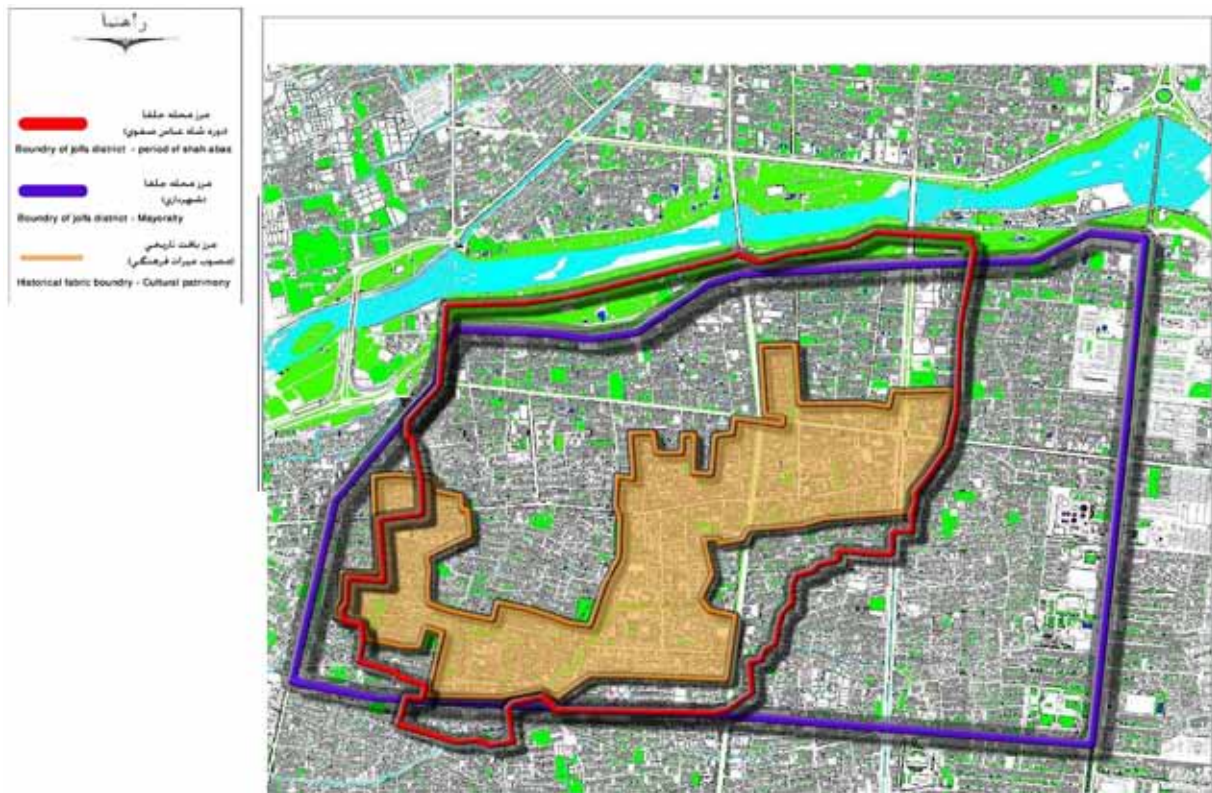
بدون شک، جلفای امروزی را نمی‌توان یک منطقه بزرگ مسکونی ارمنی نشین مستقل از اصفهان پنداشت. جلفای زیبای امروز با مساحتی در حدود ۱۸۷ هکتار از مناطق زیبای شهر افسانه‌ای اصفهان و یادآور شکوه گذشته آن است. در واقع خانه‌های خشت و گلی و معماری‌های کهن جلفا، از پیشینه تاریخی کوچه‌ها و خیابان‌هایش خبر دارد که این روزها رفته رفته دستخوش تغییر شده‌اند. تاریخ شکل‌گیری محله جلفا اصفهان هم‌زمان با اوج توسعه مکتب اصفهان در معماری و شهرسازی است، از این رو از تمامی ویژگی‌های مکتب اصفهان برخوردار می‌باشد که شامل: اصل سلسله مراتب، اصل کثرت، اصل وحدت، اصل تمرکز، اصل عدم تمرکز، اصل تجمع، اصل تباین، اصل اتصال، اصل توازن، اصل تناسب، اصل تداوم، اصل قلمرو، اصل سادگی، اصل پیچیدگی، اصل ترکیب،

شرایط اجتماعی و فعالیت‌های موجود در محیط، خاطره‌های جمعی و رویدادهای خاطره انگیز است که در بالا بردن میزان حس تعلق موثر است.

با ورود به محله جلفا، فرد تیزبین به سرعت قادر به درک و تشخیص تفاوت بین این محله و سایر محله‌های شهر خواهد بود. این تفاوت به شکل‌های گوناگونی به بیننده نمایانده می‌شود. به عنوان مثال وجود گنبدها و برج‌های ناقوس کلیساها که به دلیل ارتفاع بیشتر نسبت به ساختمان‌های اطراف، به طور کامل قابل دید هستند، مهم‌ترین تفاوت دیداری این منطقه را تشکیل می‌دهند. به صدا درآمدن ناقوس کلیساها یا گفتگوی افراد به زبان ارمنی یا صدای تمرین آوازی که از مدرسه‌های موسیقی به گوش می‌رسد تجربه‌ای متفاوت از صداهای موجود در فضای شهری به دست می‌دهد. حتی حس بویایی هم قادر به درک این تفاوت است چرا که با عبور از کوچه‌های شهر بوی قهوه و گاتا (شیرینی مخصوص ارمنی‌ها) در فاصله‌های مختلف از مغازها و خانه‌ها به مشام می‌رسد.

اصل استقرار، اصل زمان، و اصل ایجاز است (حبیبی: ۴۵، ۱۳۸۵). نقش عنصرهای استخوان بندی محله در ترکیب کلی، همانند نقش نتهای موسیقی در یک دستگاه موسیقایی و یا نقش واژه‌ها در یک متن ادبی است. تأثیرهای متفاوتی که از انواع مختلف ترکیب اجزا در موسیقی و یا ادبیات حاصل می‌شود حیرت بر انگیز است و این امر در مورد پیدایش فضاهای شهری در هر مقیاسی و بویژه مقیاس محله شگفتی آور بوده و می‌تواند باشد. آهنگی که از راه توده و فضا در فضای محله تولید می‌شود، تأثیر مستقیم بر ساکنان یا عابران محله داشته و آنان را به هم‌آوایی با خود وا می‌دارد. ساکن و عابر، خود بخشی از فضای آهنگین می‌گردد. کیفیت تجربه‌ای که از این مشارکت پدید می‌آید، بیانگر کارایی نیروهای آشکار شده از توده و فضا بوده و خاطره انگیز می‌شود (حبیبی، ۱۳۸۲).

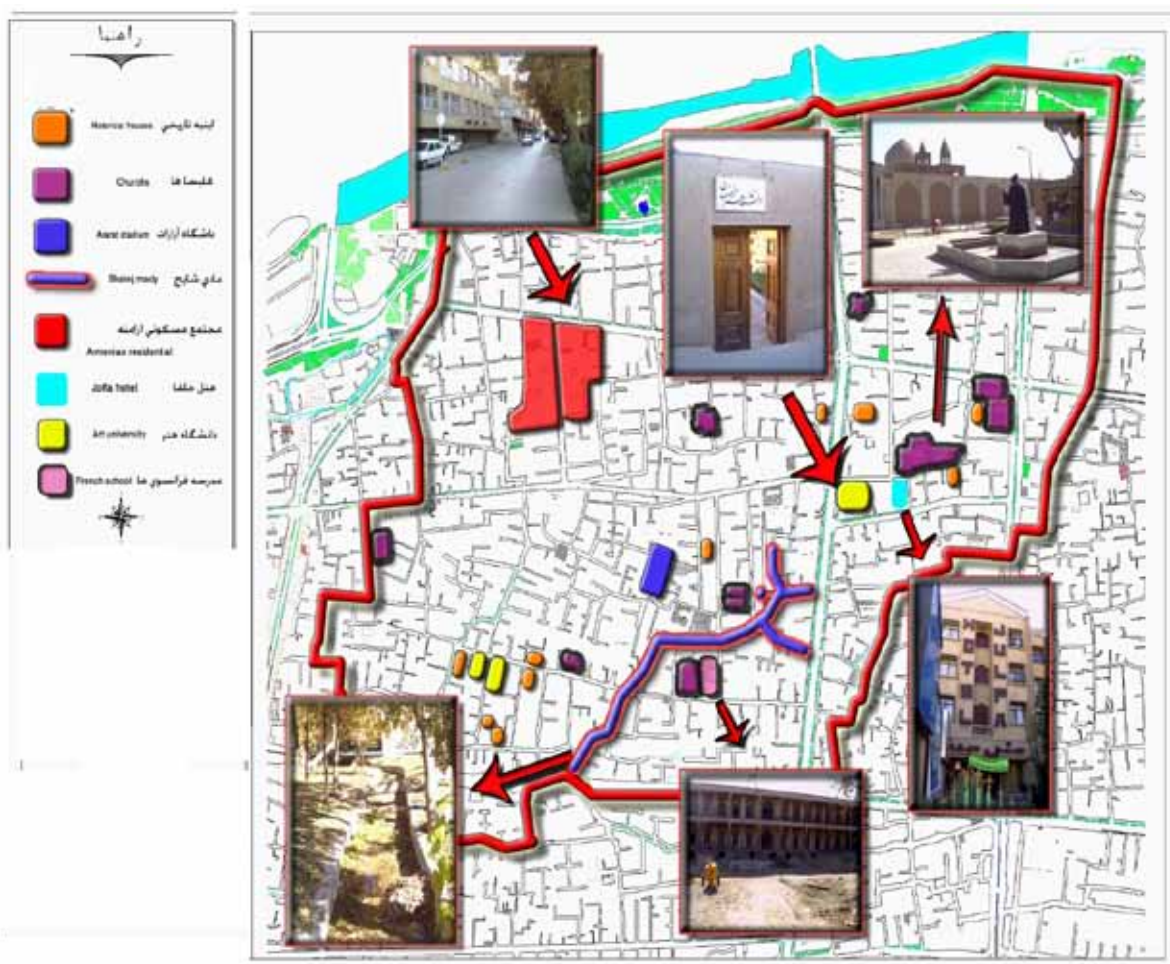
محله جلفای اصفهان به دلیل سکونت ارمنی‌های مسیحی و دارا بودن عنصرهای معماری خاص، یکی از یگانه‌ترین فضاهای شهری محسوب می‌شود. علاوه بر ساختار کالبدی که می‌تواند در افزایش حس تعلق و حس مکان ساکنان محل تأثیر گذار باشد،



شکل شماره ۱: مرزهای تاریخی و فرهنگی ماخذ: نگارنده

اصلی سبب یک‌پارچگی اجتماع شده و مفهوم "محله ما" شکل می‌گیرد، در چنین ساختاری سهل و ممتنع، محله نام ویژه‌ای می‌یابد و به تعبیر لینچ "اجتماع محله‌ای با نام، بیشتر عضو مهمی از ساختار ذهنی شهر^۴ می‌گردد" (لینچ، ۱۳۷۶: ۳۹).

از آن جا که این منطقه از آغاز پیدایش برای استقرار ارمنی‌ها پیش بینی شده و تکامل یافته است، این امر باعث گردیده عناصر کالبدی عمومی و نمادها و نشانه‌های فرهنگی از جمله کلیساها و عناصر غیرکالبدی همچون آداب و رسوم، دین، زبان و ... عوامل وحدت بخشی به حساب آیند که ساکنان ارمنی نسبت به این منطقه حس مالکیت و تعلق داشته باشند. به این ترتیب، ساکنان محله ایجاد شده است و حس تعلق خاطر به یک مرکز اصلی و مرکزهای فرعی تقویت می‌گردد. حس تعلق خاطر جمعی به مرکز



شکل شماره ۲: تحلیل نشانه‌های موجود در محله جلفا



شکل شماره ۳: چند نمونه از عناصر دیداری شکل دهنده بافت کالبدی محله جلفای اصفهان

مهم‌ترین ویژگی سنگ توف، نرم و شکل پذیر بودن آن در زمان استخراج بوده و به مرور زمان و در نزدیکی هوا شکل‌پذیری خود را از دست داده و به طور کامل سخت می‌شود و به همین دلیل مهم‌ترین عنصر معماری کلیساهای ارمنستان، وجود کنده‌کاری‌های عمیق در این نوع سنگ به عنوان تزیینات بنا است. ویژگی دیگر کشور ارمنستان، زلزله خیز بودن آن است و معماران با توجه به این مساله، نوع خاصی از معماری را به وجود آورده‌اند که به طور

۵. بررسی گنبدها و ناقوس کلیساها به عنوان عنصرهای مهم تشکیل دهنده هویت کالبدی محله

قبل از بررسی گنبدهای موجود در جلفای اصفهان، بهتر است نگاه کوتاهی به نوع معماری بومی ارمنستان بیندازیم. ارمنستان کشوری است به طور کامل کوهستانی و مهم‌ترین ماده تشکیل دهنده بناهای اصلی این کشور، نوع خاصی از سنگ معروف به توف است.

کرده‌اند که در این خصوص معماران ارمنی از شیوه ساخت بناهای مسلمانان الهام گرفته‌اند (Chaudhuri, 2007).

۴- تزیینات به کار رفته در کلیساهای ارمنستان، حجاری روی سنگ است اما تزیینات کلیساهای جلفا عبارت‌اند از آجرکاری نماهای خارجی و طراحی قباب بندی‌های با قوس‌های جناغی به پیروی از معماری دوره صفویه. کاشی کاری‌های هفت رنگ، نقاشی‌های تأثیر پذیرفته از هنر ایرانی و ارمنی، تزیینات تأثیر گرفته از سبک اروپایی، انواع گچ‌بری‌های زرنگار و کاربندی‌های نمای داخلی گنبدها از دیگر تزیینات به کار رفته در کلیساها هستند (کاراپطیان، ۱۳۸۲).

۵-۱. کلیسای وانک یا آمانا پرکیچ

کلیسای وانک یا آمانا پرکیچ نام کلیسایی است در محله جلفای اصفهان که از روی کلیسای سنت استپانوس در جلفای آذربایجان نمونه برداری شده‌است. این کلیسا از کلیساهای تاریخی ارمنیان اصفهان است و در زمان شاه عباس دوم ساخته شده‌است. وانک در زبان ارمنی به معنی صومعه است. کلیسای وانک و یا دیر آمانا پرکیچ (ناجی همگان) در نزدیکی میدان بزرگ این محله واقع است. بنای بزرگ و برج ساعت آن از فاصله دور مشخص است. با دیدن این بنا با ذوق و سلیقه مردمان این منطقه بیشتر آشنا می‌شویم، مردمانی که خاک خود را رها کرده و به سرزمین بیگانه آورده شدند و اثری چنین زیبا خلق کرده‌اند. این بنا دو در ورودی دارد که در اصلی دری چوبی بزرگ است که مردم از آن رفت و آمد می‌کنند. سر در این ورودی منظره‌ای از داخل دیر با کاشی لاجوردی و خاکستری تزیین شده است. بالای تصویر به خط ارمنی این چنین نوشته شده: «دیر ناجی همگان محلی برای راهبان». در سمت راست پلکان برج ناقوس واقع است. در زیر این برج دو قبر وجود دارد؛ این قبرها متعلق به سربازی ارمنی و دیگری متعلق به پیشوای ارمنی است. این برج ۳۸ سال بعد از بنای اصلی دیر ساخته شده‌است. هزینه آن را تاجری ارمنی به اسم «هوانجان جمالیان» پذیرا گردیده است (Gharibian, 2009).



شکل شماره ۵: حیاط کلیسا وانک و موزه آن در سمت راست

کامل یگانه است. کلیه کلیساهای ساخته شده در ارمنستان دارای طرحی به شکل صلیب یونانی بوده که به دلیل تمرکز اجزا در مرکز، از بیشترین مقاومت در برابر زلزله برخوردار است. استفاده از پنجره‌های باریک و بلند و تقویت دیوارهای باربر ساختمان، به‌وسیله ایجاد فضاهای پر و خالی در پوسته خارجی (قوس‌های کور) و استفاده از گنبدی به شکل هرم چند ضلعی نوک تیز (به روایتی یاد آورقله کوه آتشفشانی آرارت) در معماری کلیسایی ارمنستان مشهود است (آراکلین، ۱۳۷۶: ۴۱۱).

به طور کلی، در بررسی کلیساهای جلفای اصفهان و مقایسه آن‌ها با کلیساهای سابق ارمنیان می‌توان نتیجه گرفت:

۱- در طرح نقشه این کلیساها از شکل کلیساهای ارمنستان (بازیلیک یا تک جناحی) و در طراحی اتاق‌های دو طرف محراب، اختلاف صحن محراب از صحن کلیسا و تعبیه برج ناقوس (به طور عمده در ضلع غربی) نیز از طرح کلیساهای قبل از دوران صفویه پیروی شده است.

۲- در طراحی پوشش‌های گنبدی کلیساهای ارمنستان از گنبدهای رُک (مخروطی شکل) یا گنبدی با قوس مازه دار استفاده گردیده که هر دو نوع آن‌ها با مصالح سنگی تراش خورده یا قلوه اجرا شده‌اند، اما گنبدی کلیساهای جلفا به دلیل استفاده از آجر و تأثیرپذیری از معماری دوره صفویه، به طور کلی از گنبدی با قوس تیزه دار (قوس جناغی) و مشابه با گنبدی مسجدها استفاده کرده‌اند و در صورت بلند بودن نمای خارجی گنبد، آن را به صورت دوپوش اجرا کرده‌اند. در این بناها، پوشش‌های گنبد رُک محدود به پوشش‌های کوچکی چون برج ناقوس یا نورگیر برخی گنبدیها شده است. تنها وجه تمایز گنبدیهای کلیساهای جلفا با گنبدیهای مسجدهای اصفهان، استفاده نکردن از تزیینات کاشی کاری در نمای خارجی گنبدیهاست.

۳- در کلیساهای ارمنستان به طور کلی از سنگ به منزله مصالح استفاده شده اما کلیساهای جلفای اصفهان به دلیل آسانی دسترسی به مصالح بوم آورد از آجر در بنای کلیساها استفاده



شکل شماره ۴: نمایی از کلیسای وانک و بافت اطراف آن

ماخذ (Gharibian, 2009)

۶. همسازی معماری کهنه و نو در سیمای ظاهری محله

۶-۱. منازل مسکونی

بررسی منزل‌های مسکونی ارمنیان جلفا و مقایسه آن با منزل‌های مسکونی مسلمانان، جنبه‌های اشتراک و نیز تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. در طراحی نقشه خانه‌های ارمنیان جلفا، به طور کلی از نقشه خانه‌های مسکونی مسلمانان پیروی شده است. طراحی با الگوی حیاط مرکزی، رعایت حریمیت‌ها، تزیین‌های شاخص در نماهای رو به حیاط، استفاده نکردن از تزیین‌ها در نماهای خارجی، ورودی با طراحی هشتی و رعایت سلسله مراتب تا رسیدن به فضای حیاط و نوع چیدمان فضاها در پیرامون حیاط مرکزی از جمله مواردی هستند که می‌توان به منزله جنبه‌های اشتراک این خانه‌ها با خانه‌های مسلمانان از آن‌ها نام برد. دو دلیل عمده را می‌توان سبب اشتراک این خانه‌ها ذکر کرد: نخست، منزل‌های موجود در جلفا در اختیار افراد سرشناس و تاجران معروف آن زمان بوده که ارتباطشان با مردم اصفهان بیشتر از ساکنان جلفا بوده است. دوم آن که، رفت و آمد شاه و درباریان به این منزل‌ها ساختن چنین منزل‌هایی با نقشه‌های مشابه با خانه‌های اصفهان و رعایت حریم‌های لازم را ایجاب می‌کرده است. دلیل دیگر، اقلیم منطقه است. لزوم رویارویی با شرایط جوی و اقلیمی منطقه، نوع خاصی از چیدمان فضاها، ابعاد و تناسب‌های بازشوها، جهت‌گیری نقشه و ... را بر طراح تحمیل می‌کرده است. برای جنبه‌های تفاوت خانه‌های جلفا با خانه‌های مسلمانان نیز می‌توان به تزیینات داخلی بناها از جمله استفاده از نقاشی‌های دیواری، که تأثیر گرفته از اعتقادات مذهبی ارمنیان بود، اشاره کرد (آبویان، ۱۳۸۷).

محله جلفای اصفهان در مقایسه با سایر محله‌های شهر دارای بافتی همگن بوده و این نظم و هماهنگی در نمای ساختمان‌ها و سنگفرش

خیابان نمایان است. تأسف آور این که، با بالا رفتن قیمت زمین و سود دهی بالای ساخت و ساز، ساختمان‌های جدیدی با نماهای متفاوت و ناسازگار با بناهای قدیمی در حال ساخت‌اند که در صورت نبود قانونی برای هماهنگ سازی ظاهری ساختمان‌ها، به زودی شاهد از بین رفتن هماهنگی و چشم‌نوازی این محله خواهیم بود. در زیر چند نمونه نمای ظاهری محله با ساختمان‌های هماهنگ و متناسب را می‌بینیم.

۶-۲. مسیر سرسبز در محله سنگ تراشان و تبریزی‌ها

وجود جوی آب در دو محله سنگ تراشان و تبریزی‌ها باعث به وجود آمدن بوستانی بسیار یگانه شده که در کل مسیر جوی ادامه پیدا کرده و در دوطرف آن ساختمان‌های مسکونی قرار دارند. این عنصر شهری از خیابان حکیم نظامی در شرق شروع شده و به خیابان محتشم کاشانی در جنوب ختم می‌گردد. این بوستان دارای ظرفیت بسیار بالا برای تبدیل شدن به مسیر پیاده رو و جاذبه گردشگری است. نبود نیمکت‌های مناسب و سطل زباله و سایر خدمات شهری باعث ایجاد محدودیت در استفاده از این فضا برای افراد غیر ساکن در محله شده است.

۶-۳. نبود هماهنگی بافت کهنه و نو

وجود ساختمان‌های نوساز با نماهای نو- سنتی یا ترکیبی در کنار ساختمان‌های قدیمی و نزدیکی بیش از حد ساختمان‌های جدید و قدیمی از مهم‌ترین تناقض‌های ظاهری موجود در محله می‌روند.

۶-۴. تلاش برای هماهنگی بیشتر با بافت قدیمی

در این‌جا نمونه‌هایی از تلاش برای ایجاد هماهنگی در فضای شهری را مشاهده می‌نماییم. این دو ساختمان با استفاده از ساده‌ترین امکان‌ها، هماهنگی بسیار خوبی با ساختمان‌های قدیمی مجاور به وجود آورده‌اند.



شکل شماره ۶: نمونه‌هایی از وجود هماهنگی در سیمای ظاهری محله جلفای اصفهان



شکل شماره ۷: مسیر جوی آب و درختان سرسبز اطراف، نمونه‌ای از پیدایش فضای شهری



شکل شماره ۸: نمونه‌هایی از نبودن هماهنگی بافت کهنه و نو



شکل شماره ۹: نمونه‌هایی از ساختمان‌های رها شده و ویرانه در محله جلفا



شکل شماره ۱۰: نمونه‌هایی از ساختمان‌هایی که هماهنگ با بافت قدیمی احداث گردیده‌اند



۷. نتیجه‌گیری

۷-۱. چرا باید جلفا را نجات داد؟

جلفای اصفهان یکی از معروف‌ترین و زیباترین محله‌های شهری در ایران است. محله‌ای در جنوب شهر تاریخی اصفهان که بنای آن از زمان شاه عباس آغاز شده و در دوران سلطنت شاه عباس دوم بر وسعت آن افزوده گردیده است. در محله ارمنی نشین که بافت خانه‌های قدیمی آن بسیار زیبا و کلیساهای آن بسیار دیدنی است، گرچه دستخوش تغییرات زیادی شده اما هنوز هم بناهای به جامانده در آن، یادآور عظمت تاریخی این محله اصفهان است. این‌جا همان جلفای اصفهان است. خالی بر گوشه لب پایین اصفهان. کوچک‌تر از همیشه. همیشه‌ای که از زاینده رود آغاز می‌شود تا همسایگی صفا می‌رسید. شاردن فرانسوی در سال ۱۶۲۷ میلادی نوشت: «قصبه جلفا شاید بزرگ‌ترین قصبه‌های دنیا باشد. با بازارها و میدان‌های عمومی و حمام‌ها و دو کاروانسرا و ۱۱ کلیسا و یک دیر» (Baghdiantz, 1999).

شاه عباس کبیر، تصویر بی نظیر ایرانی نو را با ساختن پایتخت جدیدش اصفهان آفرید. نه تنها بناهای آن سوئی میدان بزرگ امام و بوستان‌های چهارباغ، بلکه ساختار جدید محله جلفا در پشت زاینده رود نیز در بافت شهری پایتخت جدید نقش داشتند. محله از طریق آکس چهارباغ و سی و سه پل به بقیه شهر پیوسته است. به این ترتیب محله، به طور مستقیم به بافت معماری شهر می‌پیوست در حالی که به عنوان ساختار جداگانه نیز شناخته می‌شد. به هر حال استقلال ظاهری جلفا تبدیل به استقلال اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی می‌گردید، چرا که جمعیت آن تشکیل یافته از جامعه ارمنه‌ای بود که از منطقه خارج از مرزهای ایران و از کشور ارمنستان به اصفهان منتقل شده بودند.

در سیاست عباس کبیر یک پارچه‌سازی شهری از یک پارچه‌سازی کشوری ریشه گرفت و توسعه شهری به وسیله توسعه اقتصادی که به لطف برخی بازرگانان مهم خارجی صورت گرفته بود پشتیبانی می‌شد.

به این ترتیب محله جلفا طرح بزرگی از فرهنگ شهری را به نمایش می‌گذارد که در دایرة وظیفه‌های توسعه اجتماعی جای می‌گیرد:

امروزه نجات جلفا به معنای نجات ایده شهری است که در آن معماری، شهرنشینی و سیاست به کمال رسیدن غیر قابل باوری دست یافته بودند و این ایده موجب توسعه شهر اصفهان و محله جلفا گردید.

۷-۲. نظریه و فرضیه پیشنهادی

در رهیافت نخست؛ «شد شهر درون شهر» (کلیت رشد باینده) خود این امکان را به وجود می‌آورد که شهر سازی جدید و مرمت شهری در فضایی واقعی صورت گیرد و به جای سرمایه گذاری در عرصه‌های خارج محله و ایجاد ارتباط‌های برون محله‌ای، سرمایه گذاری درون محله انجام پذیرد.

رهیافت دوم؛ سامان‌دهی «استخوان بندی شهر» به منزله

شالوده بنیادین، توسعه شهری را در دستور کار قرار می‌دهد و رهیافت سوم؛ «ادراک دیداری - سیمای شهری» به منظور سازماندهی، سلسله مراتب دیداری را مطرح می‌کند، بنابراین لازم به نظر می‌رسد که این سه رهیافت یعنی «استخوان بندی فضایی»، «توسعه شهر از درون» و «تصاویر ذهنی و دیداری» به صورت یگانه مطرح شوند.

ساختار و چارچوب نظریه پیشنهادی را می‌توان به این ترتیب بیان کرد:

۱. پرداختن به درون شهر و رشد آن از درون، فعالیت انسان در فضا را به صورت تدریجی مهیا می‌کند؛

۲. محله از طرحی یگانه و رشد ساختاری از ذره فضا تا کلان فضا پیروی می‌کند؛

۳. مرکزهای محله به مثابه فضای شهری مثبت و فعال، در مقیاس کوچک و در مقیاس بزرگ شکل می‌گیرند.

۴. خوانایی و شفافیت فضایی - کالبدی در مقیاس‌های مطلوب به ادراک دیداری از بافت تاریخی مدد می‌رساند.

نظریه پیشنهادی به کمک فرضیه‌های زیر مورد بررسی واقع می‌شوند:

۱. مرکز تاریخی شهر، مکان و موقعیت‌های سرشار از خاطره‌های گذشته بوده و می‌تواند سبب ساز موقعیت‌های جدیدی برای خاطره‌های امروز باشد.

۲. مرکز تاریخی شهر، مکان ارتباط‌های فرهنگی بین انسان با انسان، انسان با فضا، و فضا با فضا بوده و می‌تواند قرار گرفتن فضای شهری و راسته‌های حرکت پیاده را در پیوند با این ارتباط‌ها سازمان دهد.

۳. مرکز تاریخی شهر، مکانی منطبق با نیازهای زمان است.

۴. مرکز تاریخی شهر، ساختاری است از سلسله مراتب کالبدی - فضایی کهن و معاصر.

۵. مرکز تاریخی شهر، جایگاه بناهای ارزشمند، یادمانی و ایجاد کننده هویت شهری است.

با توجه به فرضیه‌های پیشنهادی اهداف طرح را چنین می‌توان بیان کرد:

۱. حفظ خاطره‌ها و هویت ارزش‌های ناب فرهنگی اجتماعی با توجه به نیازهای امروزی.

۲. بازگرداندن و نگه‌داشتن ساکنان اصلی بافت کهن.

۳. ارتقای ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی نهفته و استقرار یافته در بافت محله.

۴. ارتقای نظام نظارت و هدایت توسعه شهری در جهت توسعه شهری درجهت توسعه کیفی و کمی کل بافت محله.

۵. حفظ یک‌پارچگی محله و نقش مرکز بودن بافت مرکزی در شکل‌گیری ساختار محله.

۶. زنده کردن و سامان‌دهی بافت کهن و ارزشمند محله.

- 19- McCabe (1999), **Ina The Shah's Silk for Europe's Silver: The Eurasian Silk trade of the Julfan Armenians in Safavid Iran and India.** (University of Pennsylvania Series), Scholar's Press.
- 20- Bhattacharya, Bhaswatti (2008), "Making Money at the Blessed Place of Manilla: Armenians in the Madras-Manila Trade in the Eighteenth Century" **Journal of Global History**, 3, 1-20.
- 21- Sushil Chaudhuri and Kéram Kévonian eds (2007), *Les Arméniens dans le commerce asiatique au début de l'ère moderne [Armenians in Asian trade in the Early Modern Era]*, (Paris).

1. Physical Identity
2. character
3. sense of place
4. image of city

فهرست منابع و مآخذ

۱. حائری، محمدرضا (۱۳۶۸)، «طراحی از کالبد شهر ایرانی»: بررسی گونه شناسانه بافت شهری در قرن چهاردهم هجری، خلاصه مقالات تداوم حیات در بافت قدیمی شهرهای ایران، تهران.
۲. حناچی، پیروز و همکاران (۱۳۸۶)، «حفاظت و توسعه در ایران»، **مجله هنرهای زیبا**، شماره ۳۲، ص ۵۱، تهران.
۳. معین، محمد، **فرهنگ معین**، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۴. رضا زاده، راضیه (۱۳۸۰)، «بحران ادراکی رفتاری در فضای شهری»، **مجله شهرداری ها**، ویژه‌نامه شماره ۵.
۵. مهتا، میرمقتدایی (۱۳۸۳)، «معیارهای شناخت هویت کالبدی شهرها»، **مجله هنرهای زیبا**، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۳.
۶. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷)، **از شار تا شهر**، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. بیکن، ادموند (۱۳۷۶)، **طراحی شهرها**، ترجمه فرزانه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۸. کوین لینچ (۱۳۷۶)، **تئوری شکل شهر خوب**، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. کازرونی، شهرزاد (۱۳۶۹)، **گزارش بررسی تحول تاریخی جلفای اصفهان**، دانشکده پردیس، اصفهان.
۱۰. دره‌هانیان، هاراتون (۱۳۷۹)، **تاریخ جلفای اصفهان**، ترجمه لئون. گ. میناسیان و محمد علی موسوی فریدنی، انتشارات زنده رود.
۱۱. اصلولو، حسن (۱۳۹۰)، «مرمت شهری و باز زنده سازی کانون‌های اجتماعی و آسیب شناسی در بافت تاریخی محله جلفا اصفهان»، **نشریه هویت شهر**، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۰.
۱۲. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۷)، «فضای شهری، حیات واقعی و خاطره جمعی»، **نشریه صدف**، شماره ۲۸، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۲)، «چگونگی الگو پذیری و تجدید سازمان استخوان بندی محله»، **نشریه ی هنرهای زیبا**، شماره ۱۳، بهار ۱۳۸۲.
۱۴. آراکلیان (۱۳۷۶)، «روند شکل‌گیری بناهای مذهبی ارمنیان در ایران»، **مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده کنگره معماری و شهرسازی ارگ بم**، تهران.
۱۵. تینا، کاراپطیان (۱۳۸۲)، «مروری کلی بر کلیساهای جلفای اصفهان»، **نشریه پیمان**، ش ۲۳، بهار ۱۳۸۲.
۱۶. آیوازیان، سیمون (۱۳۸۷)، «نقش دو فرهنگ در منازل جلفای اصفهان»، ۱۳۷۸، **مجموعه مقالات و سخنرانی‌های ارائه شده دومین کنگره معماری و شهرسازی ارگ بم**، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.

17- Jacklin ,Gharibian" (2009), **Armenian Community of Persia : 400 Years in the Making**."

18- **Oxford advanced learner dictionary**, (2007) oxford university press.

